

سیاست هویت ( ۱ از ۳ )

شناسنامه **نخستین سند** رسمی هویت ماست.

همه مردم ایران از هر قوم و مذهبی دارای حقوق و مسئولیت‌های **برابرنده**؛ همه **شناسنامه‌ای** یک رنگ، یک شکل و یک اندازه دارند،

همه، اعم از زن و مرد، خردسال و بزرگسال، فقیر و غنی، بی‌سواد و با سواد، در **هویت ملی** مشترک‌اند .

در صفحه **نخست** شناسنامه، شماره ملی ده رقمی فرد ثبت شده است که نشانگر جنبه اختصاصی **سند هویت** محسوب می‌شود. در این صفحه **عکس** افراد چاپ شده است؛ به همین روال صفحات دیگر شناسنامه ابعاد دیگری از هویت ایرانی را **بازنمایی** می‌کند.

با ظهور **جهان متجدد**، دولت‌هایی شکل گرفتند که **هویت** خود را با توجه به تاریخ، جغرافیا، قومیت یا نژادشان تعریف می‌کردند.

تأکید بر این عوامل، به پیدایش **نوع جدیدی** از هویت منجر شد که **ملی‌گرایی** و وطن دوستی مشخصه اصلی آن بود. با شکل‌گیری دولت ملت‌ها، **ناسیونالیسم** پیدا شد و هویت از منظر **دولت ملت‌ها** و توسط آن‌ها تعریف شد.

**دولت‌ها** در این کشورها برای تعیین هویت ملی و چگونگی **توزیع مزایا** و فرصت‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی میان اقوام و گروه‌های

مختلف و همچنین **پاسخگویی** به درخواست‌ها و رفع نیازهای آن‌ها، ناگزیر از سیاست‌گذاری هویتی بودند. مدل رایج سیاست‌گذاری هویتی در دوره **مدرن**، «هماندسازی» بود.

**هماندسازی**: به معنای پذیرش ارزش‌ها و سبک زندگی یک گروه توسط سایر گروه‌های جامعه بود؛ به‌گونه‌ای که همهٔ گروه‌ها **همسان** شوند. به عبارت دیگر، **هماندسازی**: سیاستی بود که دولت‌ها برای از بین بردن تفاوت‌های هویتی گروه‌های مختلف و **یکسان‌سازی** آن‌ها در پیش گرفتند.

**روش‌های** خشونت‌آمیز **هماند سازی**:

۱- نسل‌کشی، ۲- جا به‌جایی اجباری، ۳- کنترل جمعیت، ۴- جداسازی

۵- فشارهای سخت اجتماعی

**هماندسازی** همیشه به صورت **یک سویه** و سخت و خشن انجام نمی‌شود؛ بلکه تفاوت‌ها و تمایزات قومی، نژادی و... می‌توانند از راه دیگری نیز ناپدید شوند که برخی از جامعه‌شناسان آن را «**دیگچه همانند سازی**» می‌نامند که در آن تعداد **کثیری** از گروه‌های درگیر قومی نژادی در ارتباط با هم یک **فرهنگ مختلط** می‌سازند.

در دورهٔ **پسامدرن**، سیاست هماندسازی هویت **مورد نقد** قرار گرفت و به جای آن، هویت‌های خرد، محلی و فردی مورد تأکید و توجه قرار گرفت. در این دوره، **تکثر**، **تنوع** و حتی **بی‌ثباتی** و **تغییرات** مداوم هویت‌ها، **مطلوب**

دانسته شد و هویت ملی و وحدت و ثبات و استمرار همراه با آن، نامطلوب پنداشته شد.

**سیاستِ هویت**، محصول دوران **پسامدرن** است و بر تفاوت‌ها و هویت‌های خاص و محلی تأکید می‌کند.

در **اواخر قرن بیستم**، **هویت** به جای قشربندی و کشمکش طبقاتی، **محور اصلی** مباحثات فکری و سیاسی شد.

در **دوره پسامدرن**، هویت از منظر گروه‌های **اجتماعی** مختلف و توسط آن‌ها، تعریف می‌شود. در این دوره، افراد، مسائل سیاسی، اقتصادی و اجتماعی را بر اساس علاقه‌های فرهنگی و **هویتی** خود پی می‌گیرند، علاوه بر ثروت و قدرت، **هویت و دانش** نیز کانون نزاع و کشمکش می‌شوند.

در همهٔ این عرصه‌ها، **سیاستِ هویت** ایجاد می‌شود و **تنازع** و درگیری **افزایش** می‌یابد.

**امروزه**، جهانی شدن و توسعهٔ ارتباطات، **از سویی** زمینهٔ شکل‌گیری جهانی بدون مرز را فراهم کرده است که در آن، **در هم آمیختن** فرهنگ‌ها موجب می‌شود که فرهنگ‌ها دیگر کاملاً خالص و ثابت نباشند و هویت‌ها به شدت دستخوش **تغییر** شوند.

**از سوی دیگر**، بسیاری از جوامع و گروه‌ها، به **دفاع** از خود برخاسته اند و با ساختن هویتی خاص برای خود یا بازگشت به هویت واقعی خویش، در برابر

هویتی که فرایند **جهانی‌شدن** به آن‌ها تحمیل می‌کند، مقاومت می‌کنند و خواهان **رهایی** از این هویت **تحمیلی** هستند.

**جنبش‌های** سبک زندگی، زنان، آفریقایی آمریکایی‌ها، آسیایی تبارها، جوانان، اقلیت‌های قومی، مذهبی و جنبش زیست محیطی **نمونه‌هایی** از این اعتراض‌ها و مقاومت‌ها هستند.

مدرسه مجازی اینو